



<p>محل الصاق عکس</p>	<p>گزارش چکیده پایان نامه / رساله فارسی و انگلیسی</p>					<p>نام و نام خانوادگی دانشجو:</p>
<p>۱۴۰۰/۱۱/۳۰</p>	<p>تاریخ دفاع:</p>	<p>دکتری تخصصی</p>	<p>مقطع تحصیلی:</p>	<p>فقه و حقوق جزا</p>	<p>رشته تحصیلی:</p>	<p>علی اسفندیار</p>
<p>۱- جناب آقای دکتر محمد بهرامی خوشکار ۲- جناب آقای دکتر مجید قورچی بیگی ۳- سرکار خانم دکتر اعظم مهدوی پور</p>			<p>نام استاد/ اساتید داور</p>	<p>سرکار خانم دکتر سودابه رضوانی</p>	<p>نام استاد مشاور</p>	<p>۱- جناب آقای دکتر امیر وطنی ۲- جناب آقای دکتر فریدون جعفری</p>
<p>ارزیابی تعامل شرع و قانون در سیاست کیفری ایران راجع به جرایم جنسی</p>						<p>عنوان پایان نامه / ساله:</p>
<p>بیان مسئله:</p> <p>پس از انقلاب اسلامی ایران مطابق اصل ۴ قانون اساسی: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد...». این امر سبب شد که قانونگذار پس از انقلاب به فکر تصویب قوانین بر مبنای فقه اسلامی بیفتد. این مجرا به خصوص در مورد قوانین جزایی اولویت بیشتری داشت. زیرا قوانین جزایی پیش از انقلاب بر مبنای حقوق جزای عرفی پایه گذاری شده بود؛ برخلاف قوانین مدنی که تا حدود زیادی برگرفته از فقه امامیه بود. از این جهت قوانین جزایی متعددی در طی این چهل سال در عرصه قانونگذاری گذشتند تا در نهایت قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. ماده ۲۲۰ این قانون بیان می دارد: «در مورد حدودی که در این قانون ذکر نشده است، طبق اصل یکصد و شصت و هفتم (۱۶۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عمل می شود.» پیش از این ماده، اصل ۱۶۷ ق.ا قاضی را موظف می کند کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی با فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد. این موارد و موارد مشابه مدخلی برای ورود منابع شرعی در حقوق کیفری است. این امر ممکن است با اشکالات نظری و عملی متعددی مواجه باشد. اشکالات عملی، مانند مبهم بودن منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، متشتت بودن آرای فقهی، عدم توانایی برخی قضات از مراجعه به منابع فقهی و مواردی از این قبیل است و اشکالاتی که از جهت نظری به این امر وارد است مانند تعارض با سایر اصول قانون اساسی، تعارض با قاعده قبح عقاب بلا بیان و تبعیض آمیز بودن مطرح می شود</p>						<p>عنوان پایان نامه / ساله:</p>

<p>این پژوهش از نوع تحلیل-توصیفی است. در این تحقیق از روش گردآوری مطالب بصورت کتابخانه ای استفاده شده و با مراجعه به کتب مرجع فقهی-حقوقی و مقالات و پایان نامه های مرتبط، به تعریف، توصیف، استدلال و استنتاج پرداخته شده است</p>	<p>روش پژوهش:</p>
<p>سوالات اصلی</p> <p>۱- آسیب ها و چالش های فقه سنتی در نظام تعاملی آن با حقوق، راجع به جرایم جنسی در سیاست کیفری ایران، کدام است؟</p> <p>۲- سیاست کیفری قضایی حاکم بر قانون مجازات اسلامی در مجازات جرائم جنسی، منطبق بر چه معیارهایی در حوزه کیفر گذاری است؟</p> <p>سوالات فرعی:</p> <p>۱- مهمترین چالش ها و عوامل تنش، میان مجازات های شرعی تغییر پذیر با هنجارهای حقوق بشری کدام است؟</p> <p>۲- اشکالات نظری درمراجعه مستقیم دادرسان به منابع شرعی در حقوق کیفری و پذیرش فتاوی فقهی، به عنوان منبع حقوق کیفری، چه می تواند باشد؟</p> <p>۳- تدابیر کیفری و غیر کیفری سیاست جنایی در عدم بروز جرائم جنسی چگونه است؟</p> <p>۴- چه آسیب هایی در ارجاع به منابع شرعی از سوی قانونگذار در حقوق کیفری نسبت به اجرای اصل تساوی و انصاف(عدالت رویه ای)، نهفته است؟</p> <p>فرضیات</p> <p>فرضیه های اصلی :</p> <p>۱- به نظر می رسد؛ مداخله ترجمه گرایی صرف از فقه، به حقوق کیفری ایران و عدم بستر سازی لازم برای</p> <p>ت</p> <p>کیفری جدید در حوزه جرائم جنسی از مهمترین آسیب ها و چالش های جدی سیاست کیفری ایران در مواجهه با فقه سنتی است ۲- به نظر می رسد سیاست کیفری قضایی حاکم بر مجازات اسلامی، در قلمرو جرائم جنسی، مبتنی بر آموزه های اسلامی است و در تعزیرات تا حد قابل قبول معیارهای جهانی حقوق کیفری در راستای صیانت از حقوق بشر همسو شده است.</p> <p>فرضیه های فرعی</p> <p>۱- به نظر می رسد؛ تداوم اعمال مجازات های بدنی، اعدام، حبس گرایی، تنگناهای موجود در اجرای مجازات مجرمین و کندی آن در گذار از سزا گرایی فضیلت مدار به بازپروری گرایی فایده گرا و عدم توجه کافی به سیاست</p>	<p>سئوال و فرضیه تحقیق:</p>

عدالت ترمیمی در بزه دیدگان جرائم جنسی، از مهمترین چالش ها و عوامل تنش میان مجازات های شرعی تغییر پذیر با هنجارهای حقوق بشری باشد.

۲- به نظر می رسد؛ شناخت الگوهای غلبه فقه بر قانونگذاری و قضا در امور کیفری و درک عوامل کم توانی نظام حاکم در پیوند فقه جزا با حقوق جزا، بایسته های ارزیابی تعامل فقه و حقوق و تحول سیاست کیفری ایران را شکل می دهد.

۳- به نظر می رسد؛ مراجعه مستقیم به منابع شرعی در حقوق کیفری و پذیرش فتاوی فقهی، به عنوان منبع حقوق کیفری، برای قضات، با اشکالات عمده ای نظیر؛ تعارض و تناقض میان اصول مختلف قانون اساسی، تعارض با قاعده عقلی و شرعی قبح عقاب بلا بیان و غیر عادلانه و تبعیض آمیز بودن این رویه، مواجه هستیم.

۴- به نظر می رسد؛ به دلیل کثرت نظریه های فقهی، در فرض ارجاع قضات و دادرسان به منابع و فتاوی شرعی، از سوی قانونگذار محترم- در محاکم ایران- چندگانگی در صدور احکام پدید خواهد آمد به نحوی که هر دادرس با توجه به معیارهای خودش، با رجوع به برخی نظرات فقهی، حکمی صادر می کند؛ که الزاماً ممکن است سایر قضات همانند او عمل نکنند و احياناً مطابق نظرات دیگری حکم صادر نمایند. لذا، این تشتت در آراء قضایی، تبعیض در میان شهروندان را موجب شده تا رویه یکسانی اعمال نگردد و نوعاً این بی عدالتی ها، بی اعتمادی به دستگاه قضایی را به همراه خواهد داشت.

روند پژوهش:

ابتدا از طریق فیش برداری و مراجعه به بانک های اطلاعاتی و شبکه های کامپیوتری به عنوان ابزارهای مناسب جهت استخراج اطلاعات استفاده شده است. سپس با تجزیه و تحلیل اطلاعات گرد آوری شده در مرحله اول به طبقه بندی اطلاعات و تقسیم مطالب مرتبط با هر فصل مبادرت نموده و در مرحله نهایی به بررسی دیدگاه ها و تحلیل نظریه موافقان و مخالفان و در خاتمه به ارائه جمع بندی و تدوین نهایی و استدلال اطلاعات پرداخته شده است بطوری که با مطالعه و بررسی یک مبنا از مبانی مهم جرم انگاری و بررسی یک مصداق مجرمانه، در صدد ارائه الگویی مناسب بوده تا سایر مصادیق و جرائم نیز با توجه به مبانی جرم انگاری مورد تحلیل واقع شوند.

مهمترین یافته ها

۱- با توجه به گفتمان پیوند میان فقه و حقوق و جایگاه نهاد قانون در نظام حقوقی اسلامی - فی الحال - شریعت اسلامی و فقه کیفری امامیه منبع قانونگذاری نیست بلکه منبع دادرسی کیفری واقع شده است و تا قانونگذار عادی،

احکام شرعی و فتاوی فقهی را در سطوح جرم انگاری و تعیین کیفر برای جرائم انعکاس خاصی ندهد دادرس مجاز به صدور حکم به کیفر به استناد منابع اسلامی و فتاوی فقهی نخواهد بود. ۲- تحولات اخیر سیاست کیفر تقنینی

ایران حاکی از ورود آموزه های جرم شناختی و کیفر شناختی بر مبنای مدل سیاست کیفری آزادی خواهی نسبی به حقوق کیفری ماهوی و شکلی موضوعه است که این خود ریشه در افزایش همسویی سیاست کیفری ایران با دستاوردهای نظری در راهبردهای حقوق بشری دارد. ۳- مواجهه شرع با جهان جدید دین پژوهان را برای پاسخگویی به سوالات جدید فراخوانده و تبیین اینگونه سوالات می تواند نظریات سنتی را در خصوص تعامل شرع و حقوق کیفری به چالش بکشد. ۴- همسان انگاری و یکسان نگری سیاست حاکم بر فقه جزایی با سیاست جنایی اسلام از مهمترین چالش های رویکرد فقه سنتی به سیاست جنایی در ایران اسلامی است که ممکن است به فروکاستن حقوق به فقه بیانجامد. ۵- مجازاتهای بدنی نظیر قطع عضو و سنگسار و شلاق از جهت روح حاکم بر جامعه، قابلیت اجرایی را نداشته و مجازاتهای اعدام نیز می بایست در موارد و مصادیق خاص و ضروری اجرا گردد. استفاده از قواعد فقهی می تواند در تغییر مجازاتهای بدنی و تبدیل آن به مجازاتهای نوین به قانونگذار کمک نماید. ۶- منطق مشخص بر کلیت قوانین (کیفری) حاکم نبوده و معیار انتخاب فتاوی مختلف در مسائل مختلف روشن نیست. از این رو نظریه پردازی در حوزه سیاست جنایی به شدت مورد نیاز کشور است و فقدان الگوی بومی منسجم برای چاره اندیشی در قبال بزه و انحراف موجب ناهماهنگی دستگاههای حکومتی متصدی شده که منجر به افت شاخص عدالت کیفری گردیده است. ۷- آشفتگی سیاست جنایی در ایران موجب شده است که از یک نظام عدالت کیفری و یا از یک سیاست و تدبیر رسمی پیروی نکند و مآلاً ورود گزاره های جرم شناسی و راهبردهای سیاست جنای از غرب به بخش پژوهش، قانونی و قضایی از طریق ترجمه و کاربرد نظام صرفاً حاکمیتی، تشدید سرگردانی سیاست جنایی را به همراه داشته است.

تأیید استاد راهنما

امیر ولی
۴۰/۲/۹